



چطور شد که معلم تاریخ شدید؟

مدرک کارشناسی خود را در رشته دبیری الهیات گرفتم اما مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دریافت کردم و این روزها دانشجوی دوره دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی هستم. بیش از هر چیز به معلمی علاقه داشتم و مدت کوتاهی نیز در کنار درس تاریخ، درس دینی را هم تدریس می‌کردم اما پس از آن به شکل متمرکز تدریس درس تاریخ در دبیرستان را آغاز کردم و تا امروز نیز ادامه داده‌ام. برای من تدریس درس تاریخ از همان آغاز جذاب بود چراکه تلاش برای فهمیدن چند و چون تاریخ و فراز و فرودهایش و بیشتر از آن، انتقال این مفاهیم به دانش‌آموزان، از نظر من مهم بوده و هست. هر چند درس تاریخ در دبیرستان چه برای رشته ریاضی و تجربی و چه برای رشته علوم انسانی، به دلایل متعدد درس مهمی قلمداد نمی‌شود و من برای این موضوع بسیار تأسف می‌خورم.

سال‌هاست که تاریخ درس می‌دهید، نقدتان به این کتاب‌ها چیست؟

در رشته‌هایی به جز علوم انسانی، دانش‌آموزان در دبیرستان یک کتاب «تاریخ معاصر» می‌خوانند که درس تخصصی‌شان هم محسوب نمی‌شود. در بین دانش‌آموزان کسانی هستند که با علاقه به این درس گوش فرا می‌دهند اما چون تمرکز زیاد این کتاب بر

گفتگو با معلم پیشکسوت تاریخ: کتاب‌های تاریخ ما افسردگی می‌آورند!

آزاده سهرابی

مرتضی علیزاده، دبیر تاریخ، ۲۷ سال سابقه تدریس تاریخ در مدرسه‌ها را دارد. این دبیر باتجربه، اکنون در دو مدرسه تهران، «دانشمند» در منطقه ۷ و «هفده شهریور» در منطقه ۱۵، مشغول تدریس است. در یک بعد از ظهر پاییزی در محل کارش او را ملاقات کردیم و پس از آنکه کلاسش پایان یافت، با او به گفت‌وگو نشستیم. موضوع صحبت ما «علاقه داشتن یا نداشتن نوجوانان به درس تاریخ» بود.

دوره‌هایی از تاریخ است که شاید دوره‌های اسفناک تلقی شود، دانش‌آموزان جذب آن نمی‌شوند و دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کنند که «وقتی با این تاریخ روبرو می‌شوند، تحت تأثیر شکست‌ها و نفوذی که بیگانگان در کشور داشتند، قرار می‌گیرند»؛ حتی شاهد خواهیم بود که برخی مواقع افسرده می‌شوند و همین مرور تاریخی، آنها را از درس تاریخ زده می‌کند.

برخی هم این مساله را به‌گونه دیگری مشاهده می‌کنند یعنی در رشته‌هایی به جز علوم انسانی، «تاریخ» درسی است که نه به درد امتحان نهایی و معدل دانش‌آموزان می‌خورد و نه در کنکور آنها تأثیر دارد. حتی در برخی مدارس دولتی یا مدارس غیردولتی، اساساً این درس در طول سال تدریس نمی‌شود و به جای آن، زمانش به کلاس‌های دروس دیگری که برای کنکور مهم است، اختصاص می‌یابد. در نهایت در فصل بهار معلم مروری بر کتاب می‌کند و چند سؤال به دانش‌آموزان می‌دهد و یک امتحان هم گرفته می‌شود.

حتی من می‌دانم که در رشته علوم انسانی که هر سال یک کتاب تاریخ دارد و خواندن آن برای کنکور دانش‌آموزان نیز مهم است، بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند به جای خواندن سه کتاب تاریخ و سه کتاب جغرافیا که در مجموع ضریب یک در کنکور را دارند، وقتشان را برای خواندن درسی مثل ادبیات فارسی بگذارند که ضریب چهار در کنکور دارد. در واقع می‌خواهم بگویم دانش‌آموزان یا برای نمره، به درس تاریخ علاقه‌مند می‌شوند یا به ندرت، دانش‌آموزی هم پیدا می‌شود که علاقه‌ای از روی کنجکاوای نسبت به وقایع تاریخی کشورمان دارد. به طور کلی علاقه به درس تاریخ، آیدمی نیست.

اما عمده نقد من به کتاب تاریخ معاصر است. به نظر می‌رسد کتابی که ما تدریس می‌کنیم، توسط گروه متخصص تاریخ نوشته نشده است. در میان مؤلفان این کتاب، کسانی هستند که صرفاً چهره سیاسی دارند اما متخصص تاریخ نیستند. متأسفانه کتاب تاریخ معاصر ویژگی‌های لازم آموزشی را ندارد و دارای اشکالاتی نیز است البته به تازگی کتاب‌ها تغییر کرده‌اند. قدیم‌ترها می‌گفتند باید در کتاب تاریخ، رویدادهای سیاسی و نظامی لحاظ شود اما تفکری که در حال حاضر درباره تاریخ وجود دارد، به جنبه عمومی‌تر از تاریخ بها می‌دهد و معتقد است در هر دوره تاریخی، فقط رویدادهای سیاسی و نظامی، کشورگشایی‌ها و مواردی از این دست مهم نیستند بلکه باید در هر دوره تاریخی، در جستجوی مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن دوران نیز بود.

چند سال پیش کتابی تدوین شد که از این منظر به مسائل اقتصادی و فرهنگی هر دوره تاریخی می‌پرداخت و البته ایرادهایی نیز داشت اما در نیمه سال تحصیلی،

آن کتاب را جمع کردند و گفتند موضع‌گیری‌های سیاسی خوبی ندارد. هر چند آن کتاب در برخی قسمت‌ها دارای ایراد بود اما واقعیت آن است که کتاب تاریخ معاصر که ما امروز به دانش‌آموزان درس می‌دهیم، فاقد جذابیت است و با نگاه روز به تاریخ همگام نیست.

درباره کتاب‌های علوم انسانی چگونه؟

در رشته علوم انسانی، کتاب‌های تاریخ تا حدودی اصلاح شده و برای هر دوره، یک درس برای بررسی حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی آن دوره اختصاص دارد که این راه درستی برای بیان تاریخ است. ما نمی‌توانیم درس تاریخ را به شکل سیاه و سفید به دانش‌آموزان یاد بدهیم یا تناقض‌هایی را در ذهن آنان ایجاد کنیم چرا که دانش‌آموزان از پس هر تناقض، حقیقت را پیدا می‌کنند و چه بسا به دنبال پیدا کردن تناقض‌ها، به فضای مجازی روی می‌آورند و حقایق را وارونه تحویل می‌گیرند. من به شخصه در سرکلاس معمولاً فاصله‌های تاریخی را هنگام تدریس کتاب تاریخ معاصر، پُر می‌کنم.

به نظر می‌رسد دانش‌آموزان علاقه‌مند به یادگیری تاریخ نیستند، شما نیز در صحبت‌هایتان آن را تأیید کردید، دلیل این مساله چیست؟

همانطور که اشاره کردم، بخشی از آن به کتاب تاریخ برمی‌گردد اما مشکل اصلی این است که در رشته‌های علوم انسانی و آینده و بازار کار آن، در رشته‌های مرتبط با تاریخ مانند باستان‌شناسی، جغرافیا و خود تاریخ، بازار کاری وجود ندارد. برخی پیام‌هایی که ما در زمان کنکور به دانش‌آموزان علوم انسانی می‌دهیم، مؤید این نکته است که گویی خواندن تاریخ اهمیت چندانی ندارد. شما تصور کنید در کنکور سراسری، دروس تاریخ و جغرافیا سه سال آخر دبیرستان که شش کتاب درسی می‌شود، در مجموع ضریب یک دارد و دانش‌آموزان با خود می‌گویند «چرا من باید ۶ کتاب را بخوانم و ۷۰ درصد تست بزنم، در حالی که می‌توانم ادبیات بخوانم که ضریب ۴ دارد و تأثیر آن در رتبه‌ام مؤثرتر است». خود ما در سیستم آموزشی اهمیتی برای درس تاریخ قائل نیستیم.

اینکه چرا رشته تاریخ را دانش‌آموزان در کنکور انتخاب نمی‌کنند یا حداقل دانش‌آموزان برتر در رشته علوم انسانی به سراغ این رشته نمی‌روند؟ علت آن است که بازار کاری ندارد. شما نمی‌توانید یک آگهی استخدام پیدا کنید که در آن نوشته باشد «به فارغ‌التحصیل رشته باستان‌شناسی و تاریخ نیازمندیم». عده‌ای از دانش‌آموزان که در مقطع دبیرستان به سمت درس تاریخ گرایش دارند، عموماً برای روحیه میهن‌دوستی

چون تمرکز زیاد کتاب‌های تاریخ بر دوره‌هایی از تاریخ است که شاید دوره‌های اسفناک تلقی شود، دانش‌آموزان جذب آن نمی‌شوند و دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کنند که «وقتی با این تاریخ روبرو می‌شوند، تحت تأثیر شکست‌ها و نفوذی که بیگانگان در کشور داشتند، قرار می‌گیرند»؛ حتی شاهد خواهیم بود که برخی مواقع افسرده می‌شوند و همین مرور تاریخی، آنها را از درس تاریخ زده می‌کند

در خانواده و جامعه برای ایجاد بی‌انگیزگی در یادگیری تاریخ وجود دارد کافی نیست. یکی از این فاصله‌ها، صدا و سیما است. شما می‌بینید هرگاه فیلم‌های تاریخی پخش می‌شود مثل سریال امام علی (ع)، مختار نامه و حتی چندی پیش که معمای شاه پخش شد، بخشی از جامعه به گفتگو درباره تاریخ علاقه‌مند می‌شوند. ما این را به خوبی در کلاس‌های درس احساس می‌کنیم. برای بچه‌ها سوال ایجاد می‌شود و ایجاد سوال آغاز گفتگو است. می‌خواهم بگویم سینما، تلویزیون و... می‌توانند در گرایش به مطالعه تاریخ بسیار موثر باشند. راه دیگر این است که مدارس دستشان برای تدریس درس تاریخ بازتر

و ملی‌گرایی که در خودشان ایجاد کرده‌اند، به تاریخ علاقه‌مند هستند.

آیا خود شما نیز به همین دلیل به تاریخ علاقه‌مند شدید؟

در این راستا بحث ملی‌گرایی مطرح است اما من تاریخ را از منظر دیگری دوست دارم، به دلیل آنکه دوست دارم بدانم در کشور ایران و تمدن‌های دیگر، مردم چه فراز و نشیب‌هایی را در زندگی طی کرده‌اند؛ نفس این آگاهی نسبت به گذشته و تاریخ را دوست دارم. به طور مثال اینکه چه زمان هنر و معماری ما به شکوفایی



باشد. مثلاً ما می‌توانیم در مدارس، کارگاه تاریخ بگذاریم، می‌شود در مدارس تابلوهایی نصب کرد که مهمترین وقایع آن روز و ماه را در آن توضیح دهند. می‌شود بچه‌ها را به موزه برد و موضوع مهمتر این است که حتماً باید از معلمان تاریخ برای درس تاریخ استفاده شود. امروز بسیاری از مدارس ما مجهز به ویدئو پروژکتور هستند. چه اشکال دارد فیلم‌های آموزشی و حتی مستندات تاریخی نمایش داده شود. شاید ۲۰ سال پیش بود که با یکی از همکارانم صحبت می‌کردم و او که در اروپا تحصیل کرده بود، می‌گفت در کشورهای اروپایی وقتی درباره تاریخ تمدن‌های باستانی صحبت می‌کنند که درباره ایران هم در مدارس صحبت می‌شود، حتماً فیلم‌های کوتاهی نیز تهیه می‌کنند و همزمان با تدریس این مباحث، آن فیلم‌ها را نمایش می‌دهند. درک بصری، نقش مهمی در یادگیری دارد. خود من دو هفته پیش بود که یکی از مباحث درس تاریخ ایران و جهان اسلام را تدریس می‌کردم و به

رسیده است؟ در کدام یک از دوره‌های تاریخی اوضاع اقتصادی نسبت به قبل بهتر بوده و مردم به انواع هنرها علاقه‌مند شده‌اند یا حتی حکومت‌ها به هنر و معماری توجه کرده‌اند؟ من این ریشه‌ها را پیدا کرده‌ام و دوست دارم، سپس می‌توانم آن را با شرایط امروز گره بزنم. به طور مثال اینکه دغدغه امروز مردم به خصوص در مناطق جنوبی، اقتصادی است. خانواده به این فکر می‌کند که چگونه نیازهای اقتصادی را تأمین کند و این موضوع فرصتی نمی‌گذارد که به مقوله فرهنگ و تاریخ سرزمین و کشورشان بپردازند؛ این مساله از خانه به فرزندان خانواده نیز سرایت می‌کند. به عنوان یک معلم سعی می‌کنم سرکلاس به بچه‌ها بگویم که صرفاً هویت یک فرد به اینکه شغلش چه هست یا چه میزان درآمد دارد و چه تخصصی دارد نیست. بخشی از هویت ما مربوط به هویت جمعی مردم کشورمان است که می‌شود همان تاریخ ما، اما کار من به تنهایی سرکلاس برای پرکردن تمام فاصله‌هایی که

در رشته‌های علوم انسانی و آینده و بازار کار آن، در رشته‌های مرتبط با تاریخ مانند باستان‌شناسی، جغرافیا و خود تاریخ، بازاریابی وجود ندارد. برخی پیام‌هایی که ما در زمان کنکور به دانش‌آموزان علوم انسانی می‌دهیم، مؤید این نکته است که گویی خواندن تاریخ اهمیت چندانی ندارد

موضوع اوضاع عربستان در دوران جاهلیت رسیدم. دو جلسه فیلم محمد رسول الله مجید مجیدی را سرکلاس نمایش دادم و بسیار تأثیر آن را مثبت دیدم.

ممکن است با این سوال از سوی دانش آموزان برخورد کرده باشید که اصلاً خواندن درس تاریخ به چه کار ما می‌آید؟ شما چه پاسخی برای این سوال دارید؟

اتفاقاً خیلی از بچه‌ها این سوال را همان جلسات اول سال تحصیلی می‌پرسند. خصوصاً بچه‌های رشته‌های ریاضی و تجربی که از همان ابتدا در ذهنشان این است که می‌خواهند مهندس و پزشک شوند. هرچند ابتدای کتاب‌های تاریخ مختصری درباره اهمیت خواندن تاریخ نوشته شده است اما من همیشه جوابم به بچه‌ها این است که مثلاً شما درسی به نام حسابان می‌خوانید که درس سنگینی هم هست. شاید از بین ۳۰ نفر که سرکلاس هستید، ۱۰ نفر شما برای آینده شغلی و تحصیلی‌اش به این درس نیاز داشته باشد اما هر ۳۰ نفر شما احساس می‌کنید که باید این درس را خوب بخوانید و خوب بفهمید اما غافل هستید از اینکه همه شما تحت تأثیر رویدادهای تاریخی کشورمان حتی تحت تأثیر رویدادهای جهان هستید. کمترین آن انتخابات است. پس رویدادهای داخلی و خارجی تأثیر مهمی در زندگی ما دارد و لازم است حداقل شما تاریخ معاصرمان که صد تا دویست سال اخیر را در بر می‌گیرد با تفسیر و تحلیل بدانید تا قضاوت‌های غلط، بی‌پایه و اساس درباره امروز نداشته باشید. ملتی که حداقل تاریخ ۲۰۰ ساله اخیرش را بداند دچار قضاوت‌های ناعادلانه نمی‌شود. در واقع کسی که بخواهد به عنوان یک شهروند خوب در جامعه زندگی کند باید یک سری صلاحیت‌ها داشته باشد. برخی از صلاحیت‌ها، آگاهی‌های اجتماعی است.

تاریخ گستره وسیعی است. به نظر شما آگاهی عمومی از تاریخ شامل چه مواردی می‌شود؟

اولاً باید برای داشتن یک آگاهی مطلوب از تاریخ هر فرد ایرانی کلیاتی از تاریخ ایران باستان را بداند. پس از آن وقتی به دوره اسلامی می‌رسیم باید کلیات و ساختار، ویژگی‌ها و مهمترین رویدادهای سیاسی و فرهنگی را بداند. اما وقتی به تاریخ معاصر می‌رسیم افراد باید حوادث را خوب بدانند و برایشان به خوبی تبیین شده باشد. در حال حاضر یکی از ایرادها این است که تمام تمرکز ما به سمت تاریخ تحلیلی رفته است. تاریخ تحلیلی نیاز جامعه امروز است ولی لازم است ما در کنار آن و قبل از آن به بچه‌هایمان حوادث تاریخ معاصر را

حداقل به صورت نقلی بیان کنیم. متأسفانه کتاب‌های جدید اشاره‌های بسیار کوچکی به حوادث دارد و خیلی با سرعت به سمت علل و نتایج رویدادها می‌رود. علل و نتایج مهم است اما تا دانش‌آموز جزئیات را نداند نمی‌تواند وقایع را تحلیل و نظرات خودش را تحلیل کند. تاریخ معاصر را باید آگاهانه‌تر و با جزئیات بیشتری نوشت. حتی لزومی ندارد در امتحان بیاید اما حتماً لازم است این وقایع گفته شود اما شاید یکی از نگرانی‌های مولفان حجم مطالب است.

در کنار این‌ها دید کلی درباره مهمترین حوادث که در دنیا رخ داده نیز مهم است. خصوصاً آنهایی که کشور ما را تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً پرداختن به جنگ جهانی اول و دوم که خوشبختانه در کتاب تاریخ جدید نگاه خوبی به بیان تاریخ جهان شده و آنچه لازم است در این کتاب‌ها آمده است. درست است که جنگ جهانی بین اروپائیان رخ داد اما تا حدودی وضع اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور ما نیز تحت تأثیر آن قرار گرفت.

به نظر شما بیان تاریخ تحلیلی برای بچه‌ها مهمتر است یا تاریخ نقلی؟

در گذشته نظام آموزشی ما تاریخ نقلی بود مثلاً می‌گفتند نادرشاه به هند لشکرکشی کرد و ۳۰ صفحه کتاب درباره این لشکرکشی بود که بچه‌ها باید آن را حفظ می‌کردند در حالی که الان بیشتر رویکرد تاریخ تحلیلی است. مثلاً اگر درباره جنگ ایران و عراق مطلبی گفته می‌شود زمینه ایجاد جنگ و پیامدهای آن مطرح می‌شود. من معتقدم تاریخ تحلیلی بسیار مهم است اما ایرادی ندارد ما همچنان مقدار مناسبی از مطالب را به تاریخ نقلی اختصاص دهیم.

آینده وضع علم تاریخ در کشورمان را چگونه می‌بینید؟

یکی از نگرانی‌ها این است که دانش‌آموزان مستعدتر یا آنان که در جایگاه علمی خوبی قرار دارند، رشته تاریخ را برای ادامه تحصیل انتخاب نمی‌کنند. اما در نظام دانشگاهی ما اساتید و دانشجویان روی پژوهش‌های تاریخ به خوبی کار کرده‌اند. امروز ما بالای ۵۰۰ نشریه و مجله‌های تخصصی در سطح علمی - پژوهشی داریم. مراکز تحقیقاتی بسیاری داریم. یک زمان بخشی از ایران باستان را خارجی‌ها برای ما تشریح می‌کردند و حتی این بخش را ابتدا اروپائیان نوشتند. اما در حال حاضر محققان بسیاری در حوزه ایران باستان و تاریخ دوران اسلامی داریم که دارای نگاه و تحلیل خوب و دقیق هستند. به نظر من اگر همین روند طی ۳۰ سال ادامه پیدا کند حوزه تاریخ تحول خوبی پیدا می‌کند.

زمانی بخشی از ایران باستان را خارجی‌ها برای ما تشریح می‌کردند و حتی این بخش را ابتدا اروپائیان نوشتند. اما در حال حاضر محققان بسیاری در حوزه ایران باستان و تاریخ دوران اسلامی داریم که دارای نگاه و تحلیل خوب و دقیق هستند. به نظر من اگر همین روند طی ۳۰ سال ادامه پیدا کند حوزه تاریخ تحول خوبی پیدا می‌کند